

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مصادف با: ۲ ربیع الثانی ۱۴۳۵

روز: یک شنبه

ادامه امر چهارم:

بیان شد یکی دیگر از مطالبی که در راستای بررسی مبحث هفتم و تبیین مدلول اوامر مستعمله در لسان شارع، باید مورد تحقیق قرار گیرد، بحث از اجزاء می باشد که ذیل چند امر پی گیری می گردد. امر چهارم بحث از اجزاء و عدم آن بود که بیان شد در دو مقام ثبوت و اثبات قابل پی گیری است. بحث از مقام ثبوت گذشت و به این نتیجه رسیدیم که بنابر جهات سه گانه مذکور و احتمالات موجود، مسأله امکان اجزاء و عدم آن، امری معقول است، و در ادامه به بحث از مقام دوم، یعنی مقام اثبات و بررسی محتوای ادله هر یک از مأموریه واقعی، مأموریه اضطراری و مأموریه ظاهری خواهیم پرداخت.

مقام دوم: مقام اثبات

از مباحث گذشته روشن گردید که محل نزاع در مقام ثبوت، مستوفی بودن یا نبودن عمل، نسبت به تمام مصلحت است. در آن مقام به این نتیجه رسیدیم که در جهت اول بحث، استیفاء قطعی بوده و در دو جهت دیگر، امری ممکن می باشد ولی همانطور که در گذشته بیان شد، بحث مذکور، صرفاً بصورت مقدماتی مورد بررسی قرار خواهد گرفت و مبحث اصلی در مسأله اجزاء، به عنوان یکی از مباحث مربوط به بررسی مدالیل الفاظ مفردة مستعمله در لسان شارع، بحث از مقام اثبات می باشد.

مورد بحث از اجزاء در مقام اثبات، در نگاهی اجمالی این است که: «آیا امری که به صورت مطلق، در لسان شارع مقدس به یک عمل مرکب از اجزاء و شرایط معین تعلق گرفته، به لحاظ اطلاقی که دارد، دلالت می کند بر اینکه این عمل فعلی و به ظاهر مأموریه، همان عملی است که مشتمل بر تمام ملاک و مصلحت بوده و داعی بر صدور امر شده است تا کفایت از مطلوب به طلب حقیقی نموده و در نتیجه امر ساقط گردد و یا دلالت بر چنین امری ندارد؟».

با این تصویری که از نزاع اثباتی بیان شد^۱، بحث مذکور، هم درباره دلالت و عدم دلالت امر واقعی اولی نسبت به خودش به لحاظ مطلوب به طلب حقیقی، و هم درباره دلالت و عدم دلالت امر واقعی ثانوی (اضطراری) و یا ظاهری نسبت به غیر خودش، یعنی به لحاظ مطلوب به طلب امر واقعی اولی، جریان دارد.

و اما تفصیل بحث از اجزاء به حسب مقام اثبات، نیازمند آن است که بحث در سه جهت پی گیری شود:

بیان جهت اول: دلالت و عدم دلالت امر واقعی اولی

در این جهت، بحث از آن است که: «آیا امری که در لسان شارع مقدس به صورت واقعی اولی، به یک عمل مرکب از اجزاء و شرایط معین تعلق گرفته، دلالت بر این دارد که این عمل فعلی و به ظاهر مأموریه، همان عملی است که مشتمل بر تمام ملاک و مصلحت بوده و

۱. اصولیون مانند محقق خراسانی «رحمة الله علیه» نزاع را نسبت به مأموریه فعلی و متعلق امر فعلی قرار داده اند. لذا طبق مبنای ایشان، بحث از اجزاء در جهت اول یعنی دلالت و عدم دلالت امر واقعی اولی، تصویری نخواهد داشت. لکن استاد معظم، نزاع را نسبت به مطلوب به طلب حقیقی و نفسانی قرار داده اند، لذا طبق مبنای ایشان، بحث از اجزاء در جهت اول بحث نیز معقول خواهد بود. به همین جهت، استاد معظم، بحث را در سه جهت یعنی: «امر واقعی اولی، امر اضطراری و امر ظاهری» مطرح می نمایند. فافهم فإنه دقیق جداً.

خارج اصول، سال پنجم، «مبحث أوامر»....استاد معظم حاج شیخ عباسعلی زارعی سبزواری «دام مره»
قبل از صدور امر، با لحاظ اجزاء و شرائط خاص، واجد آن ملاک تصویر شده بود تا در نتیجه این عمل مأمور به فعلی، مستوفی تمام ملاک
بوده و لذا مجزی از مطلوب به طلب حقیقی می‌باشد و با انجام آن، مطلوب به طلب حقیقی انجام گرفته و تمام غرض از امر تحقق پیدا
کرده و امر ساقط می‌گردد و یا چنین دلالتی ندارد؟».

بررسی جهت اول بحث

شکی نیست که حکمت مولا، اقتضا دارد که امرش را به عملی تعلق دهد که مطابق با مطلوب او به طلب حقیقی نفسانی باشد؛ زیرا تعلق
امر به آنچه که با مطلوب حقیقی مطابقت ندارد، تنها در صورت جهل آمر نسبت به آن چیزی است که برخوردار از ملاک و مصلحت
می‌باشد و این در اوامر شارع مقدس ممکن نیست. لذا تعلق امر مولا در مقام انشاء به عملی با اجزاء و شرائط خاص، به لحاظ اطلاقی که
دارد کاشف از آن است که با انجام این عمل خارجی، تمام آنچه که مطلوب او به طلب حقیقی نفسانی بود، محقق می‌شود و این ممکن
نیست مگر به جهت برخورداری این عمل مأمور به از تمام ملاک و مصلحتی که مطلوبیت حقیقی شیء و داعویت نسبت به صدور امر، آن
را به همراه دارد. به همین جهت، این امر، دلالت دارد بر اینکه مأمور به فعلی، مستوفی تمام ملاک بوده و مجزی از مطلوب به طلب حقیقی
می‌باشد و با انجام آن، مطلوب به طلب حقیقی انجام گرفته و تمام غرض از امر تحقق پیدا کرده و امر ساقط می‌گردد. بنابراین، دلالت امر
واقعی اولی بر مجزی بودن مأمور به واقعی اولی از مطلوب حقیقی، غیر قابل انکار است.

«و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین»